



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۲/۱۷



عبدالله آوا

## جهالت

دهد مادر وطن را در جهالت  
چه باشد غیر از این دیگر جهالت

گریزان گشته است از روشنایی  
ولیکن پایبند است بر جهالت

وطن اینگونه در حال سقوط است  
ز دنیا بیخبر بنگر جهالت

به پایان میرسد شبها دوباره  
سحر گاهان شود از سر جهالت

هزاران پایگاه جنگی دارد  
مگر نی مکتب دختر جهالت

جهالت است جهالت است جهالت  
جهالت در جهالت در جهالت

عبدالله آوا

## نوای پاییز

گردیده ام تولد در لحظه های پاییز  
احساس تازه دارم اندر هوای پاییز

آماده بهر رفتن از ابتدای آنم  
جانم چنانکه بینی تا انتهای پاییز

د پانو شمیره: له 1 تر 2

در جمع آدم هم از جمع میثوم کم  
گردم مسافرانه در کوچه های پاییز

گمگشته ام ز نوروز در گردش شب و روز  
تا خویشتن بیابم در لابلای پاییز

از فصل نوبهاران تا موسوم زمستان  
هر ساله میسرایم نو از برای پاییز

هر چار فصل سالم باشد بیاد مهرش  
هستم چنین مداوم من مبتلای پاییز

گفتم اگرچه چندی کم نیست راز هایم  
ناگفته ها زیاد اند ای آشنای پاییز

میهمان او شدم باز گردیده میزبانم  
هنگام صبح و عصرم اندر سرای پاییز

سر میکنم به کامش پیوسته روز هارا  
سرشارم از سرایش شبها به پای پاییز

باران و ابر و بادش موج و پر هیاهوی  
زرین و با شکوه است فرش طلای پاییز

این باغ شاعرانه تلفیق چار فصل است  
مهرین و دلنشین است لطف و صفای پاییز

دیگر گهان غروب شهرش چه عاشقانه ست  
سرمست میثوم من اندر فضای پاییز

پاییز من قشنگ است رنگین و شوخ و شنگ است  
زیبایی آفرین است تنها خدای پاییز

آوا گر خزانم سرگشته نیز مانم  
بی همسفر روانم دارم نوای پاییز

عبدالله آوا